



هنر معاصر ارمنستان گاریک مانوکیان

دوهفته نامه
اجتماعی فرهنگی

هووس

شماره ۱۰۳، ۵ مرداد ۱۳۹۰
سال پنجم



بازتاب ناپدید شدن مینیاتورهای موزه وانک

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:
لئون آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان

شورای نویسندگان:

کارمن آذریان

لیا خاچکیان

گارون سرکیسیان

آرمینه ملیک ایسرائیلیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

ورزش: آرمان استپانیان

اشتراک: کاترین یعقوبی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین

ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰

۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

نشانی وبسایت:

www.hooos.com

وبسایت فارسی:

<http://farsi.hooos.com>

پست الکترونیکی:

hooos@inbox.com

در این شماره

- ۲ در صفحات ارمنی این شماره
- ۴ نشریه فوربز: ارمنستان، دوّمین در میان بدترین اقتصادهای جهان
گایانه آبراهامیان
- ۶ چهره های ارمنه ایران: هوسپ میرزایانس
هوویک میناسیان
- ۷ سرمایه گذاران ارمنی باکو
- ۸ هنر معاصر ارمنستان: گاریک مانوکیان
- ۱۱ بارویر سِواک، شاعر ناقوس های خاموشی ناپذیر
آزاد ماتیان
- ۱۳ دو شعر
بارویر سِواک

بخش ارمنی

- ۲ جامعه ارمنه ایران
- ۴ نشریه فوربز: ارمنستان، دوّمین در میان بدترین اقتصادهای جهان
گایانه آبراهامیان
- ۴ نرانیان: هیاهوی زیادی پیرامون جدول فوربز
آرمان گالویان
- ۷ در مدح زادوراوغلی

بازتاب ناپدید شدن مینیاتورهای موزه وانک

- ۸ هفت اصل مقدس شیوه کار سرکردگان جامعه ارمنه ایران
آزاد متاور آکان
- ۱۲ اعتراض رسانه های ارمنی زبان ایران
- ۱۳ دوّمین اطلاعیه خلیفه گری ارمنه اصفهان

- ۱۴ مصاحبه سایت هایلی با سردبیر هووس
سدراک گوجامانیان
- ۱۵ نمونه کامنت های انتهای مصاحبه
- ۱۶ پاسخ سردبیر هووس
- ۱۸ اتانول زیستی جایگزین سوخت های فسیلی می شود
- ۲۰ زادبوم: فیلم مستند جالبی درباره کره زمین
- ۲۲ آشپزی: سالاد مرغ و نودل
- ۲۴ ورزش
آرمان استپانیان

گوشه‌هایی از آنچه در صفحات ارمنی این شماره هویس آمده است

رفتار آشکارا تبعیض‌آمیز و توهین‌آمیز خلیفه‌گری بود که به انتشار اعلامیه اعتراض‌آمیزی با امضای نشریات آراکس، هویس، لویس و سایت خبری ایراناهایر روبرو شد.

این اطلاعیه و دومین اطلاعیه خلیفه‌گری اصفهان در این شماره هویس چاپ شده است. همین طور مقاله‌ای به نام **نایدید شدن نقاشی‌های جلفا و هفت اصل در شیوه کار ارگان‌های رهبری جامعه ارمنه ایران** که در آن شیوه رفتار خلیفه‌گری اصفهان در این ماجرا تعمیم داده شده و با زبانی طعنه‌آمیز و پر نیش و کنایه گفته شده است که این شیوه‌ای است که سال‌هاست به کار گرفته می‌شود. شیوه‌های مبتنی بر پنهان‌کاری، ...

مصاحبه سایت هایلای (آینه) با سردبیر هویس و پاسخ سردبیر به اظهار نظرهای خوانندگان آن



روز ۶ جولای/۱۵ تیر، سایت تازه‌تاسیس ارمنی زبان هایلای به مناسبت انتشار صدمین شماره هویس مصاحبه‌ای با سردبیر آن روبرت صافاریان به چاپ رساند. که در آن درباره دلایل انتشار هویس، اصول حاکم بر روش مجله و مسائل دیگر توضیح داده شده بود. در پایان مقاله خوانندگان آن تعداد زیادی کامنت گذاشته بودند که تعداد قابل



هر کاری می‌کند تا نقاشی‌ها را به موزه برگرداند. در ضمن از مردم می‌خواند به از تفسیرهای بی‌اساس خودداری کنند. خلیفه‌گری اصفهان در اطلاعیه دوم خود که در تاریخ ۱۴ جولای/۲۳ تیر منتشر می‌شود، با تفصیل بیش‌تر توضیح می‌دهد که علت اعلام نکردن خبر از سوی خلیفه‌گری و روش رازدارانه‌اش این بوده است که مبادا روند به دام انداختن مجرم دچار اختلال شود. و دیگر این که به کمک کارشناسان در حال چک کردن درستی خبر بوده است. در این اعلامیه نیز نسبت به تفسیرهای بی‌پایه هشدار داده شده و اعلام شده که خلیفه‌گری کاملاً بر اوضاع مسلط است و مسأله را به نحو احسن حل خواهد کرد.

پرسشی که رسانه‌ها مطرح کرده‌اند این است که این اطلاعیه‌ها چرا از یک سو هیچ اطلاع دقیقی درباره زمان دزدی و مظنونین احتمالی نمی‌دهند، و از سوی دیگر با بی‌اساس خواندن سخنان کسانی که خواهان توضیحات بیش‌ترند، در موضع طلبکار ظاهر می‌شوند.

نکته دیگری که خشم رسانه‌های ارمنی ایران را بر انگیخت، نحوه انتشار اطلاعیه‌ها بود. در پاسخ به تماس‌های تلفنی ما و دیگر رسانه‌ها با خلیفه‌گری ارمنه اصفهان برای کسب اطلاعات بیش‌تر درباره این ماجرا، آن‌ها پاسخ می‌دادند که در این باره اطلاعیه‌ای به روزنامه/لیک داده‌ایم که عصر منتشر می‌شود، می‌توانید در آن‌جا بخوانید. این به منزله

نایدید شدن تعدادی از مینیاتورهای موزه وانک جلفای اصفهان

نایدید شدن تعدادی از تصویرسازی‌های نسخه‌های دست‌نوشته قدیمی موزه وانک جلفای اصفهان این روزها موضوع داغ رسانه‌های ارمنی‌زبان ایران است. موضوع از این قرار است که در تاریخ ۷ جولای/۱۶ تیر در روزنامه/آزگ ارمنستان خبری منتشر می‌شود مبنی بر این که کسانی در لندن قصد فروش ۵ نقاشی مینیاتور و ۲ نقاشی آبرنگ را داشته‌اند. یکی از روحانیونی که این افراد ناشناس در مورد قیمت این آثار از او پرس‌وجو کرده‌اند متوجه می‌شود که نقاشی‌های یادشده متعلق به موزه جلفای اصفهان هستند و موضوع را به مرکز کلیسای رسولی ارمنی در کلیلیکیه که حوزه ایران وابسته به آن است و همین‌طور خلیفه‌گری ارمنه اصفهان اطلاع می‌دهد. از فاصله این اتفاق تا انتشار خبر این موضوع در روزنامه/آزگ، نزدیک سه هفته فاصله است که در این مدت از سوی خلیفه‌گری اصفهان به مردم اطلاع‌رسانی نمی‌شود. پرسشی که همه رسانه‌ها مطرح می‌کنند این است که اگر این خبر فاش نمی‌شد، سکوت خلیفه‌گری اصفهان تا کی ادامه می‌یافت و آیا اصولاً شکسته می‌شد؟

دو روز بعد از انتشار نوشته روزنامه/آزگ، خلیفه‌گری ارمنه اصفهان با انتشار اعلامیه‌ای اصل ماجرا را تأیید می‌کند و اطمینان می‌دهد که



ارمنی و اختصاص عکس جلد نشریه به یکی از این نشست‌ها و همین‌طور انتشار دیدگاه‌های دو تن از نمایندگان مجمع درباره انتخابات شورای خلیفه‌گری در صفحات خود، گفته است که پرداختن به مسائل جامعه ارامنه لزوماً با انتشار گزارش از برنامه‌های مناسبتی و به شدت تکراری اتفاق نمی‌افتد و چه بسا با فاصله گرفتن و مشاهده سردتر بهتر بتوان درباره خوب و بد جامعه کوچک‌مان نوشت. هویس نه تنها نسبت به رویدادهای ارگان‌های اداره‌کننده جامعه ارامنه بی‌تفاوت نیست، بلکه از شورای خلیفه‌گری و مجمع نمایندگان می‌خواهد با انتشار علنی گزارش‌های سالانه و دوسالانه خود، متن بودجه سالانه‌اش و فهرست دارایی‌های جامعه ارامنه، به بررسی شفاف‌تر عملکرد آن کمک کنند.

ج: آیا آلیک لیست سیاه دارد؟

صافاریان در مصاحبه خود گفته بود که بر خلاف روزنامه آلیک، هویس لیست سیاه ندارد. اظهار نظر کنندگان پرسیده بودند منظور کدام لیست سیاه است و نام چه اشخاصی در این فهرست است. صافاریان جواب داده است که وقتی صحبت از لیست سیاه می‌شود منظور شیوه برخورد مبتنی بر حذف نام و حضور برخی اشخاص است، و گرنه او نمی‌تواند از وجود لیستی در کشوی سردبیر یا مدیر آن روزنامه اطلاع داشته باشد. برای نمونه، به قیچی کردن تصویر سردبیر روزنامه آرکس از یکی از عکس‌های روزنامه اشاره کرده بود. صافاریان در پایان گفته بود ما ادعا می‌کنیم حاضریم نوشته هر هوادار آلیک یا مخالف خودمان را چاپ کنیم، آیا آلیک هم می‌تواند ادعا کند که نوشته‌های هر شخصی را فارغ از گرایش فکری‌اش منتشر می‌کند؟ اگر این‌طور است ما حرف خود را پس می‌گیریم.

بخشی از مصاحبه و متن کامل پاسخ سردبیر هویس در صفحات ارمنی این شماره چاپ شده است.

انتشار مکاتبات عاشیق زادوراعلی و باراک اوباما در هویس و بازتاب آن

در شماره گذشته هویس نامه‌نگاری بلبل بوستان ادب جامعه ارامنه ایران عاشیق زادوراعلی و رئیس‌جمهور ینگه‌دنیا، باراک اوباما، را منتشر کردیم. عاشیق زادور طی ابیاتی شیوا، باراک را به

توجهی از آن‌ها انتقادی و برخی خصمانه بود. هرچند پاسخ به کامنت‌های اشخاص ناشناس معمول نیست، اما چون مسائل مطرح شده در آن‌ها احیاناً پرسش‌هایی بودند که برای دیگران هم مطرح است، سردبیر هویس در مقاله‌ای که در تاریخ ۱۸ جولای ۲۷ تیر در هابلی منتشر شد به سه موضوع اصلی مطرح شده در کامنت‌ها پاسخ داد. در نوشته سردبیر هویس به سه انتقاد مطرح شده در اظهار نظرهای انتهای مصاحبه پاسخ داده شده است:

الف: فعالیت‌های اقتصادی صاحب امتیاز هویس و اصول نشریه

در چند اظهار نظر به فعالیت‌های ساختمان‌سازی صاحب امتیاز هویس، لئون آهارونیان، در ارمنستان اشاره شده بود و این که چه‌طور ممکن است کسی پول صرف انتشار مجله‌ای کند و بگذارد هر چه می‌خواهد بنویسند. صافاریان در نوشته خود توضیح داده بود که در شرایط جامعه کوچک ارامنه ایران بدون حمایت مالی یک شخص یا تشکیلات نمی‌توان به‌طور مستمر نشریه منتشر کرد و وقتی این حامی مالی یک شخص است، کار نشریه راحت‌تر می‌گردد، چون اشخاص بر خلاف احزاب و گروه‌های سیاسی، در همه مسائل و در تمام جزئیات دخالت نمی‌کنند. به هر رو هویس مدعی است که بدون توجه به وابستگی گروهی اشخاص، نوشته‌های آن‌ها را چاپ می‌کند حتی اگر علیه خودش باشند. اگر کسی می‌گوید چنین نیست، باید با تکیه بر صد شماره منتشر شده هویس حرفش را اثبات کند، نه با پرونده‌سازی برای صاحب امتیاز آن. وانگهی، آیا وقتی پول آقای آهارونیان برای کمک به انجمن‌هایی مانند آزارات به کار می‌رفت، این پول اشکالی نداشت، اما حالا که صرف انتشار مجله‌ای مستقل می‌شود، مشکل پیدا کرده است؟

ب: جامعه ارامنه، مجمع نمایندگان ارمنی، و هویس

اتهام دیگر در برخی از نوشته‌ها این بود که سردبیر هویس از اوضاع جامعه ارامنه بی‌خبر است، و هویس در نشست‌های مجمع نمایندگان ارامنه ایران شرکت نمی‌کند. صافاریان با اشاره به گزارش‌های مشروح و مصور مجله درباره مجمع نمایندگان

چالش خوانده بود که چرا بر خلاف وعده‌ای که در رقابت‌های انتخاباتی داده بود قتل عام ارامنه را به عنوان نسل‌کشی به رسمیت نمی‌شناسد. البته زادور به شیوه شعرا، نامی از نسل‌کشی نبرده بود بلکه به تلویح و اشاره سخن گفته بود که مگر خواست ما از تو چیست، جز یک کلمه، که اگر آن را به زبان آوری، سازم را در ستایش تو به سخن گفتن و می‌دارم. اما باراک، در پاسخ خود (عجبا به شعر و به سبک عاشیق‌های شرقی) زادوراعلی را ساده‌لوح خوانده بود. رئیس‌جمهور آمریکا توضیح می‌دهد که اگر این یک کلمه را بر زبان جاری سازد، موقعیت برترش را از دست می‌دهد، چون در حال حاضر می‌تواند از این موقعیت چون افساری بر کنترل هر دو طرف استفاده کند. بعد هم گفته بود مشغله‌اش زیاد است، باید مسیرهای لوله‌های نفت را معلوم کند و به امور گلوبالیزاسیون بپردازد و از زادوراعلی پرسیده بود که گمان می‌کند جز این این یک کلمه درد دیگری ندارد؟ زادوراعلی در حدیث نفسی کوتاه در پایان این نامه‌نگاری، بعد از ماجرای قتل بن‌لادن اندکی محتاط شده و به خود نهیب می‌زند که چه کار به این کارها داری، برو دنبال زندگی، سری به آنتالیا بزن و ساحل زیبا و آفتاب آن‌جا بهره بگیر. از مردم هم خواسته است که منت نامرد را نکشند و خودشان فکری به حال خودشان نکنند.

مجله فوربز: اقتصاد ارمنستان؛ دومین در میان بدترین اقتصادهای جهان

کارشناسان ارمنی: تجزیه تحلیل اقتصاد ارمنستان توسط فوربز، روش درستی ندارد

گایانه آبراهامیان

با پیش‌بینی یک رشد متوسط برای چند سال آینده، این جمهوری شوروی سابق که به دریا راه ندارد و برای تمام ذخایر انرژی خود کاملاً به روسیه و ایران وابسته است، تلاش می‌کند خود را با باقی دنیا هماهنگ نگاه دارد. سرانه تولید ناخالص داخلی آن، ۳۰۰۰ دلار، و کم‌تر از یک سوم همسایه‌اش ترکیه است و تورم آن به ۷ درصد رسیده است. مهم‌تر از این‌ها، قطع ذخایر الماس توسط روسیه، به صنعت الماس رو به رشد ارمنستان لطمه زد.

تاتول ماناسریان، اقتصاددان شناخته شده ارمنستان و رئیس مرکز تحقیقی «آلترناتیو» تمایل دارد به نوع ارزیابی و اظهارنظر فوربز اعتماد کند. او گفته است: «معمولاً بررسی‌های فوربز پایه و اساس صحیحی دارند و تحقیقات ما نیز

تحقیق نه تنها بحران اقتصادی، بلکه سوء مدیریت و فساد مالی را هم به عنوان دلایل رکود اقتصادی در نظر گرفته‌اند. بنا بر این گزارش: «بازنده‌هایی مانند غنا و زیمبابوه فعالیت‌های اقتصادی خود را؟ و از لیست خارج می‌شوند در حالی که برخی کشورها از جمله ارمنستان و جامائیکا به خاطر بحران اقتصادی جهانی است که رو به سمت رتبه‌های پایین‌تر می‌روند. رتبه‌ی دیگر کشورها مانند ماداگاسکار و نیاکاراگوئه تقریباً به طور قطع به خاطر نادانی قانون‌گذاران آنهاست».

رابین هادس، از مدیران تشکیلات «بین‌المللی شفافیت» می‌گوید: «جایی که دولت کار نمی‌کند اقتصاد رشد نمی‌کند». بر اساس گزارش فوربز، ارمنستان بسیار به عوارض بحران‌های مالی مبتلاست.

روز سه‌شنبه، مجله‌ی معتبر فوربز لیستی از ده کشور دنیا را که بدترین اقتصادها را دارند چاپ کرد، در این لیست ارمنستان جایگاه دوم را بعد از ماداگاسکار اشغال کرده بود. فوربز این ده اقتصاد بدتر را از میان ۱۱۷ کشور و بر اساس آمار میانگین رشد تولید ناخالص داخلی و میانگین نرخ تورم انتخاب کرده است، به علاوه‌ی سرانه تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری، و سنجش این که آیا واردات کشور بیش از صادراتش است یا خیر.

در مقایسه با لیست سال ۲۰۱۰، امسال تغییرات قابل توجهی ایجاد شده است. در حالی که نتیجه‌ی قبلی حاوی ملل آفریقایی بود، لیست امسال شامل اوکراین (رتبه چهارم)، قرقیزستان (هفتم) و ایران (دهم) هم هست. مسؤولین این

The screenshot shows the website of the National Statistical Service of Armenia. The main headline reads: "Հայաստանի Հանրապետության Ֆինանսների նախարարություն" (Ministry of Finance of the Republic of Armenia). Below this, there is a section titled "Նորություններ" (News) with a date of 12.07.2011. The main article is titled: "«Forbes» ամսագրում հուլիսի 5-ին հրատարակված շահիկի ֆինչերի «<Ամենապատասխանաբար» աշխարհում» հոդվածի մեկնաբանություն" (Commentary on the article "The most honest in the world" by Forbes magazine, published on July 5th in the July issue). The text discusses the country's economic situation, mentioning GDP growth and inflation. On the right side of the page, there are several small images and charts, including a line graph showing economic trends.



نشان می‌دهند که اقتصاد ارمنستان در وضعیت خوبی نیست. از این نظر من با نظر آن‌ها موافقم اما مطمئنم که امکان بازیابی شرایط خوب هنوز در دسترس است. مایل نیستم فکر کنم که این يك دستور بوده، چون گذشته از این که چه قدر پول گرفته باشند، اعتبار مجله گران‌بها تر از این حرف‌هاست. اما باید گفت این تحقیق مشکلات شناختی و متدولوژیکی جدی و فقدان صلاحیت دارد. درست است که يك تورم دورقمی وجود داشته و تولید ناخالص داخلی افت داشته است، اما شاخص‌های دیگری هم وجود دارند که اشتباه برآورد و ارزیابی شده‌اند». این اقتصاددان معتقد است که پاسخ وزارت‌خانه به این نتایج کاملاً روشن نبوده و درباره موضوعات اصلی بحث نشده است.

برخی کارشناسان می‌گویند که تجزیه تحلیل اقتصاد ارمنستان توسط فوربز روش مناسبی ندارد. تحقیق اقتصادی اخیر فوربز که ارمنستان را در رتبه‌ی دومین اقتصاد بد دنیا قرار داده، هنوز در ارمنستان موضوع بحث و جدل است و بیش‌تر تحلیل‌گران آن را يك «نتیجه‌ی از پیش تعیین شده» یا دست‌کم يك ارزیابی پر غلط می‌دانند. وزارت مالی ارمنستان در پاسخ به تحقیقات فوربز گفت: «متدولوژی آن سؤال برانگیز و مشکوک است». اما قانون‌گذار حزب جمهوری‌خواه، تاجر

معروف، مانول بادیان، متمایل نیست با شبهه وارد کردن به این نشریه جاافتاده و گفتن این که این يك «نتیجه‌ی از پیش تعیین شده» بوده است، به آن امتیاز بدهد. او می‌گوید: «این فوربز با تحقیقات دقیق و عمیق سروکار ندارد».

دولت ارمنستان در روز پنج‌شنبه اقدام به توضیح دادن درباره گزارش جدال برانگیز مجله فوربز کرد. وزارت مالی کشور گفت که چهار شاخص مورد استفاده‌ی فوربز را که با آن‌ها نتیجه گرفته ارمنستان فقط از ماداکاسکار بهتر بوده است، مرور کرده و برایش مسلم شده که «نتیجه‌گیری آن‌ها بر اطلاعات غلط پایه گذاری شده است».

وزارت مالی ارمنستان گفت که کارشناسان تحقیق خودشان را درباره شاخص‌های کلیدی انجام داده‌اند و به تصویری متفاوت رسیده‌اند. بر اساس آنالیز آن‌ها، هیچ يك از چهار شاخص که اساس ارزیابی فویس قرار گرفته بودند درست ارزیابی نشده‌اند. وزارت مالی با اظهار نظر درباره این نتایج گفت بر اساس ارزیابی تدابیر اقتصادی بانک جهانی، ارمنستان یکی از کشوران تراز اول هشت سال گذشته بوده است.

وزارت مالی ارمنستان گفت که داده‌های مورد استفاده‌ی فوربز برای نتیجه‌گیری، مقایسه شدنی نبوده‌اند: «بنابراین آن‌ها در مقایسه داده‌های نرخ

تورم واقعی در يك سال، و سرانه تولید ناخالص داخلی در طول سه سال گذشته منطق اقتصادی نداشته‌اند. وزارت مالی اصرار دارد که ارمنستان بسیار دور از ده اقتصاد بد دنیا ایستاده است. علاوه بر این، گفته است که میانگین حساب جاری واقعی برای ده کشور اولی که بدترین اقتصاد را دارند منفی ۳۳،۷ اندازه گیری شده، در حالی که نتیجه برای ارمنستان در سه سال گذشته منفی ۱۳،۹ بوده است. میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی برای ده کشور اول ۳۱۳،۳ دلار بوده، در حالی که در ارمنستان ۳۰۲۲،۱ دلار بوده است». وقتی دو شاخص دیگر را هم امتحان می‌کنیم نتیجه واقعا همین گونه پیش می‌رود. میانگین نرخ تورم برای دو سال ۲۰۱۲-۲۰۱۰، در ده کشوری که بدترین اقتصاد را داشتند ۱۵،۶ درصد بوده اما در ارمنستان ۶،۸ درصد است. به این ترتیب ارمنستان در میان ۱۷۶ کشور، در رتبه پنجاهم می‌ایستد. در مورد میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۰-۲۰۰۸) هم باز جایگاه ارمنستان حتی در نزدیکی ده کشوری که بدترین اقتصاد دنیا را دارند، نیست.

<http://www.armenianow>

ترجمه: نسیم نجفی

هوسپ میرزایانس نماینده اسبق مجلس شورای ملی (۱۸۶۸-۱۹۳۵)

هویک میناسیان

مالیه و چه در دوره‌های نمایندگی مجلس خدمات چشم‌گیری ارائه داده و در دوره‌ای که در جامعه سرتاسر فساد حکم‌فرما بوده است، انسانیت خود را حفظ کرده و به تنهایی در مقابل همه نابه‌سامانی‌ها مقاومت نموده است. او با تکیه بر اراده قوی و وفاداری به انسانیت، به عنوان یکی از افراد وزین و صاحب‌نام این کشور شناخته شد. فردی که در زمان تصدی منصبی والا در وزارت مالیه، قانون‌مداری را سرلوحه وظایف خود قرار داد و با این امر الگوی همکاران خود شد. هوسپ میرزایانس به ادبیات و زبان فارسی تسلط کامل داشت. مقاله‌ای که در مورد آثار و زندگی ختّام نوشته، حاکی از معلومات فراوان ادبی او می‌باشد.

وی در اواخر قرن نوزدهم ترجمه‌های خود را به جامعه ادب دوست ایران تقدیم نمود. او آثاری از فردوسی، سعدی، حافظ، باباطاهر و مهم‌تر از همه رباعیات ختّام را به زبان ارمنی ترجمه نمود که تا به امروز جزو به‌ترین ترجمه‌ها به‌شمار می‌آید. وی غیر از ترجمه آثار بزرگان ادب ایران، آثاری از ادبیات روسی و انگلیسی به ارمنی ترجمه کرده است که از این جمله می‌توان به آثار رابیندرانات تاگور، والتر اسکات، لرمونتف، مولیر و بایرون اشاره نمود.

هوسپ میرزایانس، این شخصیت برجسته ادبی، سیاسی و اجتماعی، در سال ۱۳۱۴ شمسی (۱۹۳۵ میلادی) در تهران به دیار حق شتافت و در قبرستان ملی ارامنه دولاب تهران به خاک سپرده شد.

یکی از نام‌دارترین شخصیت‌های ادبی، سیاسی و اجتماعی ارامنه ایران، هوسپ میرزایانس است. وی در سال ۱۲۴۷ شمسی (۱۸۶۸ میلادی) در شهر همدان دیده به جهان گشود و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی همدان کسب نمود. او در فاصله سال‌های ۱۳۰۲-۱۲۸۸ شمسی برای سه دوره در مجلس دوم، سوم و چهارم شورای ملی، نماینده کل ارامنه بوده است. همچنین در دوره هفتم تا دهم مجلس شورای ملی نیز نمایندگی ارامنه شمال ایران را به عهده داشته است. هوسپ میرزایانس از یاران وفادار و نزدیک پیرم‌خان سردار بود و همراه وی فعالیت‌های قابل توجهی در جریان انقلاب مشروطیت داشت.

وی مردی درستکار و فاضل و در امر مدیریت باهوش و ذکاوت بود. این فرد موفق و کاردان که از ارامنه شریف ایران بود، در دوره‌ای از عمر خود به خاطر قابلیت‌هایش مشاور وزیر مالیه ایران شد.

میرزایانس علاوه بر نفوذ در دستگاه حاکمه و تلاش برای آبادی این سرزمین، مورد اعتماد مردم، بالاخص هم‌کیشان خود نیز بوده است. یکی از مشخصات بارز او دل‌سوزی‌اش برای بیت‌المال بود. آن‌گونه که نقل شده است، در زمانی که در وزارت مالیه خدمت می‌کرد، تمام هم و غم خود را برای جلوگیری از ریخت‌وپاش‌های غیر ضروری به‌کار می‌گرفت. مدرّس که در یکی از نطق‌هایش در مجلس به شدت به اوضاع نابه‌سامان کشور می‌تازد و اعتراض خود را در مورد حیف‌ومیل بیت‌المال توسط دولت‌مردان به استحضار نمایندگان می‌رساند و مسؤولان وزارت مالیه را مورد خطاب قرار می‌دهد، با اشاره به هوسپ میرزایانس، می‌گوید: «در آن وزارت‌خانه هیچ‌کس دلش به حال بیت‌المال و خزانه ملت نمی‌سوزد، اما من در آن‌جا یک نفر را سراغ دارم که به فکر حفظ بیت‌المال است و آن هم میرزایانس ارمنی است».

میرزایانس که نامش با درستکاری و انسانیت پیوند خورده، چه در زمان خدمت در وزارت



سرمایه‌گذاران ارمنی باکو

یکی از سرشناس‌ترین سرمایه‌گذاران ارمنی باکو آکساندر مانتاشیان بود که در صنعت نفت آوازهای بلند داشت، چهره او و تصویری از خانه اش در تفلیس را در این صفحه می‌بینید

نواحی پیرامون مقدار ۶۳۶۵۲۸۸۵۲ پوت [واحد وزن روسی برابر با ۱۶،۳ کیلوگرم] نفت استخراج کردند، که از این میان سهم ۲۴ شرکت پیشرو برابر با ۵۲۱ میلیون پوت نفت بود. ۱۳ شرکت از این ۲۴ شرکت متعلق به ارمنیان بود که ۲۰۳ میلیون پوت نفت یا ۳۹٪ کل نفت را استخراج کرده بودند.

۴۴،۴٪ از کل ۴۴۸ میلیون پوت نفت تولیدی باکو در سال ۱۹۰۷م. و ۵۳٪ کل ۳۶۸ میلیون پوت نفت تولید شده در سال ۱۹۱۷م. از سوی شرکت‌های ارمنی استخراج شده بود.

در اواخر سده ۱۹م.، ارمنیان در مدتی کوتاه چندین شرکت جدید تأسیس کردند. سرمایه‌گذاران ارمنی به لطف دانش و تلاش خود اعتباری بزرگ به دست آورده بودند و در پیشرفت اقتصادی کل استان نقش مهمی ایفا می‌کردند. شرکت‌هایی چون «میرزویان و برادران»، «مانتاشیان و شرکاء»،

ارمنی به نام «سوئوچاستنیک»، که توسط بوگدان دلوخانیان و میناس کاجکاجیان تأسیس شده بود، مالکیت چاه‌های نفت را به دست آوردند.

در سال ۱۸۷۸م. دو تن از ارمنیان شوشی به نام‌های ساموئل باقیریان و هاروتون ماداتیان با پیوستن به «برونو دو بوری» یک شرکت تولید نفت و تجارت به نام «کمپانی کاسپین» تأسیس کردند. این شرکت در سال ۱۸۸۸م. به برادران غوکاسیان و هوهانس ترمارکوسیان فروخته شد. یکی از سرشناس‌ترین سرمایه‌گذاران ارمنی باکو آکساندر مانتاشیان بود که در صنعت نفت آوازهای بلند داشت. در فوریه ۱۸۹۴م. میان گروه ارمنی مانتاشیان و «اتحادیه سرمایه‌گذاران کروسین باکو» توافق‌نامه‌ای نوشته شد که مطابق آن سرمایه‌گذاران ارمنی امکان یافتند بدون مانع وارد بازارهای جهانی شوند. در سال ۱۹۰۲م. تعداد ۱۳۶ شرکت در باکو و



ارمنیان فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و ساختمانی گسترده‌ای در باکو داشته‌اند. فعالیت آن‌ها، مخصوصاً در عرصه صنعت نفت چشم‌گیر بود. در سال‌های ۵۴-۱۸۵۰م. چند بازرگان ارمنی اهل تفلیس به نام‌های کوجوجانیان، باباناسیان، ژنرال ترغوکاسیان، و پس از آن هوهانس میرزویان از بزرگ‌ترین پیمانکاران باکو شده بودند. نخستین چاه نفت باکو که در سال ۱۸۶۹م. به بهره‌برداری رسید به ه. میرزویان تعلق داشت.

بر اساس آمارهای رسمی سال ۱۸۴۶م. کل تجارت ماوراء قفقاز با روسیه، معادل با ۵۵۳۴۶۰۰ روپل، در دست ارمنیان بود. سرمایه ارمنیان پیوسته به عرصه‌های نوین صنعت جذب می‌شد.

در حراچی که در سال ۱۸۷۲م. از سوی دولت برگزار شد ۱۲ نفر روس، ۱۱ سرمایه‌گذار ارمنی، مانند میرزویان، لیانوسیان، و غیره، و یک شرکت

هنر معاصر ارمنستان: گاریک مانوکیان



در سال ۱۹۵۸ در شهر لنیناکان (گیومری کنونی) ارمنستان به دنیا آمد. تحصیلات عالی خود را در دولتی ایروان و سپس در انستیتوی هنرهای

دراماتیک به پایان رساند. از سال ۱۹۷۶ در نمایشگاه‌های گروهی در اقصی نقاط اتحاد جماهیر شوروی و خارج از کشور شرکت کرد. عضو انجمن نقاشان ارمنستان و سازمان هنرهای تجسمی یونسکو است و در دانشگاه هنر تدریس می‌کند. تعدادی از کارهای او توسط وزارت فرهنگ ارمنستان و موزه‌های دولتی خریداری شده‌اند و تعدادی دیگر نزد کلکسیونرهای بزرگ روسیه، اسپانی، فرانسه و دیگر کشورها نگهداری می‌شوند.

آثاری از او به طور دائم در موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش گذاشته شده است.

در ۱۹۱۴م. در قلمرو کنونی جمهوری آذربایجان ۷ کارخانه دخانیات وجود داشت که همه آن‌ها متعلق به ارمنیان بود.

برادران پیلپوسیان در ۱۸۹۱م. نخستین کارخانه تولید شکلات را در باکو بنیان نهادند که در قفقاز نظیر نداشت. در همان سال، آخارجیان در باکو نخستین کارخانه تولید آینه در قفقاز را تأسیس کرد. کارخانه تولید آب‌میوه طبیعی و آب‌های معدنی متعلق به ملیک غلامبریان در قفقاز در نوع خود بی نظیر بود.

تاجری به نام ساگانیان برای رفع مشکل آب آشامیدنی باکو آب انبارهایی در دهانه رودخانه کور ساخت و در زیر زمین لوله‌کشی کرد تا آب رودخانه را به باکو برساند. حتی بندری اجاره کرده بود و آب تمیز را با کشتی به شهر می‌رساند.

«شرکت تجاری و تولیدی کاسپین جنوبی» در سال‌های ۱۹۰۰م. پیش‌تاز بی‌چون و چرای تجارت پارچه بود. س. تراوهانیان رئیس این شرکت بود و اعضای هیأت مدیره آن ساروخانیان، تومانیان، تراپسراتلیان و شخیانس بودند. ارمنیان در صنعت بافندگی ابریشم و پنبه نیز درصد نسبی چشم‌گیری داشته‌اند. از تعداد ۱۵۴ شرکت فعال در ۱۹۰۷م. تعداد ۸۹ شرکت به ارمنیان تعلق داشت. بزرگ‌ترین تجارت‌خانه شهر باکو متعلق به برادران تومانیان بود.

در نظام مالی باکو نیز ارمنیان حضور به‌سزایی داشتند. در ۱۸۷۵م. آ. تبریزیان و م. مامیگونیان، سپس برادران آوازبان، صاحبان مؤسسه «شرکت اعتباری» بودند. در ۱۹۰۲م. یک مؤسسه مالی دیگر به نام «شرکت اعتباری شهری» در باکو تأسیس شد. رئیس هیأت مدیره این شرکت یک روس بود، اما صاحبان آن آ. آوازبان و آرام خان‌آقاییان بودند. اکنون پول‌های زمان حکومت باکو نیز در دست است که روی آن‌ها نوشته‌هایی به زبان ارمنی دیده می‌شود.

به این سان ارمنیان باکو در اواخر سده ۱۹م. و آغاز سده ۲۰م. زندگی تمام و کمالی داشتند و در صنعت نفت، تجارت و رشته‌های گوناگون تولیدی و عرصه‌های مالی و بانکی در جایگاه نخست ایستاده بودند.

منبع: www.baku.am

ترجمه: گارون سرکیسیان

«آراگاتس»، «آراکس»، «برادران غوکاس»، «لیاسونوف و شرکاء»، «آرامازد»، «آارات»، «ماسیس»، «آستغیک»، «سیونیک»، «آرالو-کاسپین»، و ده‌ها شرکت دیگر متعلق به ارمنیان عمدتاً به تولید نفت مشغول بودند و وسایل حمل و نقل، از جمله حمل و نقل دریایی، در اختیار داشتند. در سال ۱۹۱۲م. در باکو جمعاً ۶۶ شخص و شرکت دارای کشتی بودند که تعداد ۱۴ تن آن‌ها ارمنی بودند و ۲۴ کشتی داشتند، مانند کشتی «مناستان» متعلق به هاگوپ و هوهانس آودیان، «واهان» متعلق به آدامیان، «آشوت یرکات» و «آماسیا» متعلق به «شرکت کشتی‌های بخاری ارمنیان»، «آرتسیو واسپوراکانی» متعلق به شرکت «ولگا»، «واسپوراکان» متعلق به «شرکت تجاری و تولیدی ماورای قفقاز» و غیره. حتی شماری از آذربایجانی‌ها کشتی‌های خود را به نام‌های ارمنی می‌نامیدند، مانند کشتی «آوتیک» متعلق به آشوریکوف و جعفراف، کشتی «ماسیس» متعلق به باباشیاف، کشتی «آرشاک» متعلق به قلی‌اف، کشتی «آارات» متعلق به محمداف.

گ. لیانوزیان سرمایه‌گذار ارمنی دارای بزرگ‌ترین شرکت تولید فراورده‌های ماهی و مشتقات آن بود. شیلات آن‌ها در آستانه جنگ جهانی اول مجهز به بهترین دستگاه‌ها بود. خانواده و تنسوف‌ها نیز در تولید فراورده‌های ماهی نقش برجسته‌ای داشتند. در عرصه تجارت و تولیدات که ارمنیان سرمایه‌گذاری و پیشرفت بزرگی داشتند باید به یک ویژگی خاص مربوط به مدیریت مؤسسه توجه داشت. در هر مؤسسه‌ی ارمنی عمدتاً خویشان آن‌ها جذب می‌شدند، یعنی آن مؤسسه جنبه قومی پیدا می‌کرد.

این را نیز باید گفت که ارمنیان نه تنها به امور اقتصادی سرگرم بودند، بلکه خود آن‌ها پایه علمی را که به پیشرفت آن کمک می‌کرد به وجود می‌آوردند. در سال ۱۹۱۱م. تعداد ۴۱ کارخانه و شرکت صنعتی به ساخت دستگاه‌ها و تجهیزات حفاری چاه و لوله مشغول بودند که از این میان، ۱۹ شرکت از آن ارمنیان بود. تعداد ۱۹۴ کارگاه گوناگون در میدان‌های نفتی وجود داشت که صاحبان ۹۵ عدد از آن‌ها ارمنی بودند.

در سال ۱۹۰۴م. در باکو دو کارخانه دخانیات وجود داشت که یکی از آن‌ها متعلق به برادران میرزابگیان، و دیگری سرکیس کاراگوزیان و آود آراکلیانتس بود.







اخیراً ترجمه‌گزیده‌ای از شعرهای بارویر سواک (Parooyr Sevak)، از شاعر پرآوازه ارمنستان در دوران بعد از استالین، تحت عنوان *معجزه‌ی معمولی* توسط نشر هزاره ققنوس روانه بازار کتاب شده است. شعرها را آزاد ماتیان و شاپور علی‌نژاد به فارسی برگردانده‌اند. به این مناسبت نوشته کوتاهی در معرفی سواک و عقاید او به چاپ می‌سپاریم. شعرهایی که بعد از نوشته می‌آیند از کتاب *معجزه‌ی معمولی* برگرفته شده‌اند.

بارویر سواک (۱۹۲۴-۱۹۷۱) شاعر ناقوس‌های خاموشی ناپذیر

آزاد ماتیان

چنین می‌فرمایند، در ۱۹۴۸م. چندان مورد توجه قرار نگرفت، اگر چه برخی از منتقدان نشانه‌هایی از قریحه را در وی مشاهده کرده بودند. منظومه‌های بعدی *دوستی/آشتی ناپذیر* در ۱۹۵۳م.، *جاده عشق* در ۱۹۵۴م. و *همچنان با تو* در ۱۹۵۷م. نیز از این نظر که به مضامینی چون روابط شخصی و عاشقانه می‌پرداختند از دیدگاه جامعه‌گرایی رسمی چندان مطلوب نبودند و در دسرهایی برای شاعر به وجود آوردند اما انتشار منظومه بلند *ناقوس خاموشی ناپذیر*، در ۱۹۵۹م.، به یکباره بارویر سواک را به شاعری ملی مبدل ساخت، و شعر او در تهران و بیروت نیز تجدید چاپ شد.

علت استقبال عام ارمنیان از این کتاب بیش‌تر از ارزش‌های ادبی، به موضوع آن مربوط می‌شود. شاعر در این منظومه با تکیه بر زندگی کومیتاس (Komitas) موسیقی‌دان بزرگ ارمنی، به وقایع جنگ جهانی اول و قتل عام ارمنیان به دست دولت ترک‌های جوان در ترکیه عثمانی می‌پردازد و در واقع، سکوت چندین دهه را در مورد موضوعی ممنوعه در هم می‌شکند.

شهرت بارویر سواک به منزله شاعری سنت‌شکن و نوآور با مجموعه انسان در کف دست در ۱۹۶۳م.، شروع و با آخرین مجموعه‌اش، *بگذار روشنایی باشد* در ۱۹۶۹م. به اوج می‌رسد.

نقد بوروکراسی حزبی، فساد و ریاکاری و دفاع از حقوق و ارزش‌های انسانی با زبانی کاملاً غریب و نامأنوس در شعر سواک آغاز فصلی جدید را در تاریخ شعر ارمنی نوید می‌دهد. بارویر سواک

پس از حدود سی سال سکوت و رکود، سال‌های شصت برای ادبیات ارمنستان سال‌های تحرک و شکوفایی محسوب می‌شود و چه در زمینه نثر و چه در زمینه شعر شاهد تحولاتی چشم‌گیر هستیم. اگرچه نظارت بر خلاقیت ادبی و هنری از طرف حزب همچنان ادامه داشت، ولی همان گشایش‌های نسبی و ناگزیر نیز فضایی را برای جوشش و باروری خلاقیت‌های فردی ایجاد کرد.

بارویر سواک (Parooyr Sevak) برجسته‌ترین چهره این باززایی در زمینه شعر ارمنستان است. سواک در ۱۹۲۴م.، سال قدرت‌گیری استالین، در خانواده‌ای روستایی چشم به جهان گشود. شاید دانستن این نکته جالب باشد که خانواده وی حدود یک قرن پیش از آن از ناحیه خوی به ارمنستان کوچ کرده بودند و بارویر سواک پس از رافی، داستان‌نویس قرن نوزدهم و یقیشه چارنتس، شاعر انقلابی سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰م.، که خود از قربانیان تصفیه‌های استالینی محسوب می‌شود، سومین نویسنده بزرگ ارمنی است که اصل و نسب وی به ایران و ارمنیان ساکن در این سرزمین می‌رسد. ارتباط بارویر سواک با ایران تنها به اصل و نسب وی باز نمی‌گردد. او که فارغ‌التحصیل مؤسسه ادبیات گورکی در مسکو و نیز از اساتید این مؤسسه بود، پایان‌نامه دکتری خود را درباره زندگی و آثار سایات نوا، ترانه‌سرای ارمنی قرن هجدهم، که ارتباط بی‌واسطه‌اش با شعر عاشقانه فارسی واقعیتی انکار ناپذیر است، نوشته است.

اولین مجموعه شعر بارویر سواک، *جاودانگان*

دهه‌ی شصت قرن گذشته، دوران استالین‌زدایی در اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. مرگ دیکتاتور در ۱۹۵۴م.، همانند سی سال حکومت مقتدرانه‌اش، تأثیری سرنوشت‌ساز بر زندگی میلیون‌ها انسان، نه تنها در داخل مرزهای شوروی بلکه در سراسر جهان، داشت. با مرگ او میلیون‌ها تن در داخل و خارج پرده آهنین، که خود او بانی و محافظ آن بود، به خیابان‌ها ریختند و در سوگ «پدر خلق‌ها» اشک ریختند؛ در سوگ مردی که به زودی نامش در کنار نام خون‌خوارترین خودکامگان تاریخ و به منزله طراح و مجری تصفیه‌های خونین قبل و بعد از جنگ باید به ثبت می‌رسید.

ارمنستان نیز، که یکی از جمهوری‌های شوروی بود، از برکات این پاک‌سازی‌های استالینی بی‌نصیب نمانده بود و چنان که مرسوم و معمول است شعرا و نویسندگان طراز اول آن جزو نخستین قربانیان بودند. گویی استالین و همفکرانش به شعار برابری بیش‌تر از دیگر شعارهای حزب‌شان علاقه و حساسیت داشتند و لذا چاره کار را در این می‌دیدند که آن‌هایی را که یک سر و گردن از دیگران بالاتر بودند یا جسارتمند و از روی بی‌احتیاطی به خود اجازه داده بودند به خارج از محدوده فکری پیشوا نظری بیافکنند، گردن زنند و از این طریق، تضاد دیالکتیک بین کار بدنی و کار فکری را نیز حل کنند. نتیجه این همسان‌سازی امروز کم‌وبیش بر جهانیان مکشوف و معلوم و مهم‌تر از آن برای جهانیان عبرت‌انگیز است.

شعر و شاعری از نگاه بارویر سواک

ترجمه آزاد ماتیان

• شعر واقعی نمی‌تواند عاطفی نباشد، ولی این عاطفه هم نمی‌تواند اندیشمندانه نباشد.
• اگر شعر «کهن» مثل نامه‌ای است که از مسافت‌های دور فرستاده می‌شود (و در نتیجه توصیفی است و همه چیز را در جزئیات به وضوح و به طور کامل توضیح می‌دهد) شعر «نو» باید شبیه مصاحبت دو دوست خیلی صمیمی باشد، که همدیگر را با نیم‌گفتاری یا به اشاره‌ای می‌فهمند.
• شعر قبل از هرچیز شکل است، تمامی مسأله آن است که شکل هم، محتوای خود را دارد.
• در بین منتقدین طبقه کاملی هست که از ابداع و نوآوری، یک مترسک ساخته است. حال اگر تنها خودش از این مترسک می‌ترسید ضرری نداشت، اما مشکل در این است که او با این مترسک و به نام پاس‌داری از نظم و قانون بسیاری دیگر را نیز می‌ترساند.
• کار شاعر متقاعد کردن نیست، قانع کردن است.

• آن کس که فکر می‌کند گفتن شعر بی‌وزن راحت‌تر از شعر موزون است هرگز شعری نگفته است. برای سرودن شعر بی‌وزن و قافیه قریحه کافی نیست بلکه قریحه‌ای قدرتمند لازم است. بعد از بارویر سواک نسل جوان‌تری به عرصه آمد که سعی داشت در نوآوری از او فراتر رود و در نتیجه به شکل‌های گوناگون تجربی مدرنیستی روی آورد. سواک، که خود سردمدار جنبش نوآوری بود و ضرباتی کاری به شکل و محتوای شعر سنتی فرود آورده بود، از افراط‌گری‌های جوان‌ترها ادا خشنود نبود و شاید هم در قبال تندروی‌های آنان احساس مسؤولیت می‌کرد. سطرهای زیر بیانگر این دغدغه است:

• بارزترین خصوصیت جوانان شاید اعتماد به نفس آنان باشد و تا این‌جا هیچ اشکالی ندارد، اشکال کار از آن‌جا شروع می‌شود که این خصیصه به خود بزرگ‌بینی می‌داند.
• به نظر می‌آید جوانان ما حرفی برای گفتن ندارند و عدم شفافیت آنان از همین ناشی می‌شود.
• اگر نثر ما امروز بیش‌تر شاعرانه است و شعر ما بیش‌تر نثرگونه، علتش این است که نویسندگان و شاعران جوان ما حرفی برای گفتن ندارند.

و باز، گویی در صدد درک و یا توجیه مسائل چنین می‌گویی:

• من شعر امروز را نه به صورت خط بلکه به شکل خط - نقطه مجسم می‌کنم. اندیشه مثل سایه از فراز دره‌ها در پرواز است و تخیل همچون شعاع نور یا باران آسمان را به زمین می‌پیوندد. از این روست که شعر امروز مبهم و مشکل می‌نماید.
در نهایت، او حل مشکل را نه در شکل‌گرایی و انسان‌زدایی بلکه در انسان محوری و جامعه‌گرایی می‌بیند:

• شاعر به دنیا می‌آید تا از زبان خود اما از جانب دیگران سخن بگوید، از بیوگرافی خود که بیوگرافی جامعه و زمانه اوست.

ساختار منظم و منطقی کلام را دگرگون کرد. او با توسل به تداعی‌های گسسته و تصاویری غیر شاعرانه، ارتباط بی‌واسطه‌تری با اشیاء و دنیای اطراف خود برقرار می‌سازد و خواننده اشعارش را و می‌دارد به تدریج با کلام او انس گیرد و وضع و سرنوشت خویش را همچون کف‌بینی از درون اشعار وی بخواند.

بارویر سواک شاعر را «منشی خداوند» نامیده است؛ یعنی، آن که از راه گرت‌برداری از کلمات پیر و فرسوده جهان آفرینش را بازنویسی می‌کند. این دیدگاه، که بارویر سواک در اشعار و مقالات خود زوایای آن را می‌شکافد، از بسیاری جهات یادآور نظریه آشنایی‌زدایی فرمالیست‌های روسی است که از اولین قربانیان سیاست‌های فرهنگی در شوروی دهه ۱۹۲۰م بودند.

بنابر این نظریه، کلمات و دیگر شکل‌های زبانی در اثر تکرار و عادت به مرور از بار معنایی و مهم‌تر از آن از بار عاطفی تهی می‌شوند و در نتیجه، قدرت بیانی یا به عبارت صحیح‌تر رابطه ابتدایی و بلافصل خود را با واقعیتی که وظیفه بیان آن را دارند از دست می‌دهند. لذا کار شاعر بازآفرینی آن رابطه‌ی بلافصل از طریق آشنایی‌زدایی یا غریبه‌سازی است.

از این نظر بارویر سواک شاعری واقع‌گراست. وی زیبایی‌ها و بیش‌تر ناهنجاری‌های زندگی را با حساسیتی فراوان و تصاویری بدیع به تصویر می‌کشد و از منظر آرمان‌های بزرگ بشری بر نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی قرن می‌تازد. لذا شعر او شعری است انسان‌گرا که در عین تازگی و بُرندگی از بازی‌های افراطی نوگرایانه به دور است.

بارویر سواک در سال ۱۹۷۱م. در اوج شکوفایی استعدادهایش در یک حادثه رانندگی کشته شد، همان‌گونه که خود در یکی از اشعارش مرگی ناگهانی را آرزو کرده بود. این حادثه شایعانی را مبنی بر قتل سیاسی برسر زبان‌ها انداخت که البته از طرف هیچ منبع موثقی تأیید نشده است.

شاعران

مثل همه، آن‌ها هم
بدون اکسیژن نمی‌توانند زندگی کنند
اما مدام بدون اکسیژن می‌سوزند
و بعد مثل زغال سنگ، شعله‌ور می‌شوند.
مثل گذرگاه‌های زیرزمینی نمناک می‌گیرند
و با هر نقل و نباتی از گریه باز نمی‌ایستند.

می‌خندد با خنده‌ای - زنگ‌دار- مثل سکه‌ی ناب،
که از آن، دنیا غنی می‌شود نه خودشان.

عرق می‌کنند، نه از شرم
فقط مثل شیشه از گرمای درون
آن وقت... که در بیرون، سرما بیداد می‌کند،
دروغ می‌گویند، مثل شکارچی‌ها
نه بیش‌تر
و اگر یک جور دیگر دروغ بگویند، خودشان نیستند،
زرنگ‌زاده‌گانی‌اند که با شناسنامه‌ی آن‌ها کار می‌کنند.

مثل همه، آن‌ها هم
بدون نان و آب نمی‌توانند زندگی کنند
اما فقط با نان و آب هم نمی‌توانند زنده بمانند!

صادقانه بگویم
نمی‌توان به آن‌ها حسادت نکرد
اما
دورانی هست که باید به حال‌شان گریست.

(گشت و گذاری) در تنهایی

احمق و والا- ناچیز و باشکوه
ایستاده‌ام در برابر این آسمان روسفید
و نگاه می‌کنم مثل گوساله‌ای،
یا موبدی
سیک‌بال از سکوت و ...
به خدا ایمان می‌آورم.

دستم را به گردن این جویبار پیچ در پیچ می‌اندازم
و بر بالای سر خویش بلند می‌کنم
و از آن طاق نصرت درخشانی می‌سازم
که تا من نخواهم، فرو نمی‌ریزد.

کف دستانم را مثل کف زدن نزدیک می‌کنم
و صخره‌ها با اطاعت از حرکت دستانم به هم می‌آیند
و در سکوت، در هم می‌آمیزند.
آن وقت، به خود ایمان می‌آورم.

دستم را به چهره خاک می‌سایم
و با آوای مصوّت بدوی نجوایی می‌کنم.
و او مثل گریه‌ای نوازش شده،
کمرش را قوس می‌دهد
و دمش را در هیأت رودخانه‌ای تکان می‌دهد.
و من یک بار دیگر احمق و از خود راضی
سیلی بر گونه‌ی این آسمان روسفید می‌زنم
و مثل کودکی یا موبدی
سرشار و بی‌کم و کاست لبخند می‌زنم
و خدا را ادراک می‌کنم.